

جمهوری اسلامی و دستگاه پروپاگاندا؛ راهپیمایی اربعین

علی اکبر ابراهیم‌پور

دستگاه پروپاگاندا جمهوری اسلامی تجربه‌ای به درازای عمر این نظام دارد. این ماشین با جنگ ایران و عراق به منظور بسیج مردم برای مشارکت در جنگ تقویت شد و از آن پس روز به روز وسعت یافت. بسیاری از رسانه‌ها در جمهوری اسلامی ماشین پروپاگاندا هستند، نه رسانه؛ زیرا رسانه اساساً رویکرد ایدئولوژیک ندارد. دستگاه‌های پروپاگاندا جمهوری اسلامی از شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای تا منابر نماز جمعه، نهادهای موسوم به «آموزشی و پژوهشی»، اعزام مبلغان و تربیت کارشناسان در موسسه‌هایی مانند «جامعه المصطفی العالمیه» که کارکرد درون‌مرزی و برون‌مرزی دارند، در این سلسله یادداشت‌ها بررسی می‌شوند.

این یادداشت به «راهپیمایی اربعین» و سوء استفاده از یک آیین مذهبی در جهت اهداف سیاسی می‌پردازد.

یکی از آیین‌های مذهبی شیعیان که رژیم بعث عراق ممنوع کرد، راهپیمایی اربعین بود. این آیین بی‌درنگ پس از سقوط «صدام» در سال ۱۳۸۲ از نو احیا شد، به‌گونه‌ای که خیل عظیمی از شیعیان این آیین را در اولین سال پس از سقوط صدام برپا کردند.

این رویداد خودجوش و گسترده حتی موجب شگفتی «جرج بوش پسر» شد که به دست او حکومت صدام سرنگون شده بود. این جمعیت انبوه نه تنها موجبات شگفتی آمریکا بلکه واژه‌های آمریکایی را نیز فراهم آورد که حاکمیت عراق را در دوران گذار بر عهده داشتند. آن‌ها با پدیده‌ای نوظهور روبه‌رو شده بودند که اگر در مسیر تعارض با منافع آمریکا قرار می‌گرفت، زیان‌های هنگفتی به بار می‌آورد.

اربعین به معنی چهل یا چهلیمین در زبان عربی است. راهپیمایی اربعین نوعی آیین سوگواری و عزاداری است که به مناسبت بزرگداشت چهلیمین روز شهادت امام سوم شیعیان (برابر با ۲۰ ماه عربی صفر) به عنوان سنتی دیرینه در میان شیعیان عراق رواج دارد. در این آیین، شیعیان سوگوار از اقصای نقاط این کشور عمدتاً با پای پیاده از پنج روز مانده به اربعین با کاروان‌ها و موکب‌های خود عازم کربلا می‌شوند و

سوگواری خود را تا ظهر روز اربعین ادامه می‌دهند. برای نمونه، تعداد این موبک‌ها در سال ۱۳۹۴ در حدود ۷۰۰۰ عدد اعلام شده بود.

اقتصاد اربعین

شمار زائران ایرانی در مراسم اربعین در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ از چهل هزار نفر به دومیلیون و دو بیست هزار نفر افزایش داشت. این رقم در سال ۱۳۹۶ به بیش از ۳ میلیون افزایش یافت.

با توجه به مشارکت فراوان ایرانیان در راهپیمایی که تسهیلات زیادی را می‌طلبد، همکاری‌های زیادی میان دو کشور برقرار شد که می‌توان آن را «اقتصاد اربعین» نام نهاد. آیین اربعین خود موجب نوعی درآمدزایی برای عراق شد؛ از ناحیه سرمایه‌ای است که ایران تزریق می‌کند.

آنچه از زبان مسئولان ایران می‌شنویم این است که این همکاری وسیع و گسترده الگوی مهمی از سیاست همسایگی در منطقه غرب آسیا و بیانگر وجود ظرفیت‌های بزرگ برای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بر مبنای معنویت، فرهنگ مشترک و مناسبات مردمی است.

به رغم این همه اهتمام به اربعین، هرگز آمار و ارقام دقیقی که همه ابعاد این همکاری را تسهیل می‌کند، از سوی مقامات جمهوری اسلامی ارائه نمی‌شود. همچنین هرگز آمار ارائه نشده که این سرمایه‌گذاری هنگامت چه درآمدزایی مالی‌ای برای ایران داشته است. حال اگر این سرمایه‌گذاری یک‌جانبه است، چرا جمهوری اسلامی مبادرت به سرمایه‌گذاری یک‌جانبه در عراق کرده است؟ آیا این سرمایه‌گذاری هنگامت صرفاً به دلیل بزرگداشت یک آیین مذهبی است؟

راهپیمایی اربعین؛ تلاشی برای نمایش قدرت ایران

با احیای این آیین، رفته رفته بر ابعاد آن افزوده شد تا آنجا که از سال ۱۳۸۲ به بعد، نه تنها شیعیان عراق بلکه شیعیان سرتاسر جهان (از جمله ایران، کویت، پاکستان، افغانستان، جمهوری آذربایجان، لبنان، ترکیه، بحرین، یمن و ده‌ها کشور دیگر) برای شرکت در این رویداد سالانه به عراق می‌روند.

از این رو، راهپیمایی اربعین پس از حج بزرگترین تجمع مسلمانان و یکی از بزرگترین گردهمایی‌های دینی جهان ارزیابی می‌شود. گفته می‌شود که صرف نظر از زائران عراقی، در برخی سال‌ها تعداد زائران دیگر کشورها به میلیون‌ها تن نیز بالغ شده است که ۳/۳ میلیون از آن‌ها را زائران ایرانی تشکیل می‌دهند.

احیای این سنت شیعی در میان شیعیان عراق چیز عجیبی نیست، همچنان که مشارکت ایرانیان در آن نیز موضوع عجیبی نیست. اما، آنچه موجب شگفتی است این که با شدت گرفتن نفوذ ایران در عراق، مشارکت دادن شیعیان ایران در این آیین توسط جمهوری اسلامی و تدارک وسیع برای آن در راس اولویت‌های تهران قرار گرفت.

به عبارت دیگر همان‌گونه که ایران برای حضور حجاج خود در موسم حج تدارک و سازمان‌دهی دولتی می‌کند، مشارکت دادن ایرانیان در راهپیمایی اربعین و تسهیل سفر آن‌ها را نیز تدارک و سامان‌دهی کرده است، تا آن‌جا که بابت تدارک آن هزینه‌های هنگفتی را متقبل می‌شود.

برای نمونه در سال ۱۳۹۵ تهران و بغداد کمیته دائمی و مشترکی را با عنوان «کمیته هماهنگی سیاسی و کنسولی» برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مراسم اربعین ایجاد کردند. در نتیجه فعالیت‌های این کمیته، در سال ۱۳۹۸ صدور روادید برای اتباع دو کشور رایگان شد و در پی آن در همان سال دو کشور درباره لغو روادید به توافق رسیدند.

همچنین با توجه به سفر میلیون‌ها زائر خارجی به عراق، در مدت زمان کوتاهی برنامه توسعه زیرساخت‌های ترابری، بهداشت، تامین کالاهای اساسی، خطوط ارتباطات تلفن همراه و عبور و مرور در نقاط مرزی (عمدتاً از نقطه مرزی سومار، چذابه و شلمچه در استان خوزستان، مهران در استان ایلام و مرز خسروی در استان کرمانشاه) با کمک ایران آغاز شد. اما تقبل این هزینه سنگین و این همه تدارک چرا؟

پاسخ آن است که اهتمام جمهوری اسلامی به برگزاری این آیین و مشارکت فعال در آن را صرفاً نمی‌توان مشارکت در یک آیین دینی دانست؛ بلکه باید آن را در راستای پروپاگاندای جمهوری اسلامی ارزیابی کرد.

مصادره راهپیمایی اربعین در ماشین پروپاگاندا

تردیدی نیست که سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی در آیین اربعین می‌تواند ریشه در باورهای مذهبی داشته باشد. گرچه این ادعا به هیچ‌رو نادرست نیست، ولی موضوع را باید از زاویه دیگر نیز نگریست.

به عبارت دیگر، مشارکت فعال ایران در آیین اربعین را باید متناظر با مشارکت فعال این کشور در حج دانست. همان قدر که جمهوری اسلامی حج را یک رویداد سیاسی می‌داند و از آن در راستای ماشین پروپاگاندای خود در جهان اسلام بهره می‌برد، از مراسم اربعین نیز در راستای پروپاگاندای خود بهره‌برداری سیاسی می‌کند.

توضیح آن که با توجه به فقدان زیرساخت‌های لازم در عراق برای میزبانی از میلیون‌ها زائر، تهران به خوبی دریافت که با توجه به مشترکات دیرینه مذهبی و با عنایت به مرز مشترک طولانی میان دو کشور به طول ۱۴۵۸ کیلومتر، مطلقاً هیچ کشور دیگری نمی‌تواند در فقدان زیرساخت‌های عراق برای میزبانی از خیل عظیم زائران، جای ایران را در عراق پر کند.

بی‌دلیل نبود که «قاسم سلیمانی»، فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه، اربعین را مانور ۲۰ میلیونی توصیف کرده بود. از همین جاست که در سال‌های اخیر، شهرداری تهران گاه با اختصاص بودجه‌ای ۱۵ میلیارد

تومانی و از جمله با اعزام ۳۳۰ نفر از خدمه و نظافتچی‌های خود به نجف و ۵۰۰ نفر به کربلا، وظیفه پاکیزگی این دو شهر را با هزینه خود متقبل شد. شهرداری تهران این اقدام را «اقتدار شیعه و اسلام در همایش بین‌المللی اربعین» دانست.

از همین جاست که در بند دوم تبصره «د» قانون بودجه سال ۱۳۹۸ زائران اربعین «از پرداخت عوارض خروج معاف» شدند. با احتساب آن که عوارض خروج زمینی در سال ۱۳۹۸ مبلغ ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان بود، اگر زائران ایرانی را سه‌میلیون نفر فرض بگیریم دولت جمهوری اسلامی از مبلغ ۳۷/۵ میلیارد تومان درآمد خود صرف نظر کرده است.

افزون بر این، نهادهای دیگر از جمله «هلال احمر»، «بنیاد مستضعفان»، «کمیته امداد امام خمینی»، «آستان قدس رضوی»، «ستاد اجرایی فرمان امام»، شهرداری‌های دیگر و... نیز هر یک از محل بودجه خود برای تسهیل حضور ایرانیان در این مراسم هزینه می‌کنند.

بدیهی است که این همه تدارک لجستیکی از سوی ایران برای چنین رویداد پرازدحامی، آن هم در کشوری که زیرساخت‌های لازم را ندارد، هم هزینه سنگینی بر ایران تحمیل می‌کند و هم برنامه‌ریزی مهمی را مطالبه می‌کند. اما، این تدارک و هزینه سنگین نه صرفاً برای برپایی یک آیین مذهبی است، بلکه هدف از آن بهره‌برداری سیاسی به نفع اهداف جمهوری اسلامی است.

با در دست گرفتن لجستیک و اعزام بیش از سه‌میلیون زائر ایرانی، هدف جمهوری اسلامی این است که اولاً در مخاصمات خود با واشنگتن این حس را القا کند که عراق را زیر نفوذ خود دارد و بدین‌سان اربعین را «مانور» قدرت‌نمایی خود کند و ثانیاً خود را مرکز جهان تشیع معرفی کند.

گو این که عموماً مرکز جهان تشیع را نجف می‌دانند، ولی جمهوری اسلامی نشان داده که مایل است خود را مرکز جهان شیعه انگارد که کسری از آن‌ها در «کنگره شیعیان»، «مانور اربعین» یا همان راهپیمایی اربعین حضور می‌یابند.

منبع ایران وایر